

درنگی در تعبیر قرآنی « اَمَّا مِنْ خَاف مَقَامَ رَبِّهِ »

محمد رضا انصاری

۲۸۸

در قرآن کریم واژه «مقام» به فتح میم، چهارده بار به کار رفته که در سه مورد آن به خدا نسبت داده شده، بدین صورت که در دو آیه به «رب» و در آیه دیگر به یای متکلم - که مقصود از آن نیز خداست - اضافه گردیده است. این واژه به ضم میم (مقام) نیز چهار بار به کار رفته که در یک جا با تای تأنیث آمده است.^۱ سه آیه‌ای که این واژه در آنها به خدا نسبت داده شده، به ترتیب سوره‌های قرآن عبارتند از:

۱. ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعَبَدَ (ابراهيم، ۱۴)

۲. وَ لِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ (الرحمن، ۴۶)

۳. وَ اَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ * فَاِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ

الْمَأْوَى (نازعات، ۴۰-۴۱)

در هر سه آیه، سخن درباره ترس از مقام خداست. آیا مقصود از «مقام خدا» چیست و ترس از مقام خدا چه معنایی دارد؟ مفسران در تفسیر این تعبیر قرآنی وجوه گوناگونی گفته و مترجمان نیز به پیروی از آنان، هر کدام معنای خاصی را در ترجمه خود آورده‌اند. برای روشن شدن این مسئله، نخست باید معنای «مقام» را در لغت جست و جو کنیم، آن گاه برخی

۱. ر. ک: محمد فؤاد عبدالباقی، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، چاپ نهم، انتشارات اسماعیلیان، تهران،

۱۳۶۹، ذیل ماده «قوم».

درنگی در تعبیر قرآنی «اقام من خاف مقام ربه» ۱۹ □

تفاسیر معتبر را بررسی نماییم و ببینیم مفسران در این باره چه گفته‌اند و اساساً چند قول در تفسیر این تعبیر وجود دارد و کدام یک به صواب نزدیک‌تر است.

بررسی واژه از دیدگاه لغت

برخی کتب لغت، به اجمال به معنای «مقام» پرداخته و توضیحی درباره آن نداده‌اند، ولی برخی دیگر همه معانی آن را آورده و به توضیح آنها پرداخته‌اند. ما از میان این کتابها به چند منبع لغوی قدیم و جدید استناد می‌جوئیم:

جوهری در صحاح می‌نویسد:

مُقَامَه به ضَمٍّ، به معنای اقامت است؛ و مُقَامَه به فَتْحٍ، مجلس و گروهی از مردم را گویند. اَقَامَ مُقَامًا و مُقَامًا، هر یک از آنها، گاه به معنای اقامت و گاه به معنای جای ایستادن است، زیرا اگر آن از «قَامَ يَقُومُ» مشتق باشد مفتوح و اگر از «اَقَامَ يَقِيمُ» مشتق باشد، مضموم است. این بدان سبب است که فعل اگر از سه حرف تجاوز کند، میم آن مضموم می‌گردد و به افعال رباعی شباهت می‌یابد، مانند دَخَرَخَ که می‌گوییم: «هَذَا مُدْخَرُجُنَا»^۱.

در لسان العرب نیز همین معانی با اندک تفاوتی در تعبیر آمده است:

مُقَامٌ، جای دو یا را گویند... و مُقَامٌ و مُقَامَه مکانی است که در آن اقامت می‌کنی. مُقَامَه به ضَمٍّ، به معنای اقامت است و مُقَامَه به فَتْحٍ، مجلس و گروهی از مردم را گویند... مُقَامٌ و مُقَامٌ نِزْ، هر یک، گاه به معنای اقامت و گاه به معنای جای ایستادن است، زیرا اگر آن را از «قَامَ يَقُومُ» مشتق بدانی، مفتوح و اگر از «اَقَامَ يَقِيمُ» مشتق بدانی، مضموم است.^۲

در اقرب الموارد می‌خوانیم:

مُقَامٌ و مُقَامٌ به معنای اقامت و مکان و زمان اقامت است. جای دو یا را نیز «مُقَامٌ» می‌گویند و به معنای «منزلت» نیز آمده و مقامات اعداد به همین معنی است.^۳

در الرائد آمده است:

مُقَامٌ (ق و م) جمع آن «مُقَامَاتٌ» به معنای زیر است: ۱. منزلت ۲. اقامت، مکان و زمان اقامت ۳. جای دو یا ۴. مجلس ۵. گروهی از مردم.^۴

۱. اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، چاپ چهارم، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۴۰۷/هـ ۱۹۸۷ م، ج ۵، ص ۲۰۱۷.
۲. ابن منظور، لسان العرب، چاپ اول، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸/هـ ۱۹۸۸ م، ج ۱۱، ص ۳۵۵.
۳. سعید خوری شرتونی، اقرب الموارد فی فصیح العربیة والشواری، ج ۲، ذیل ماده «قوم».
۴. جبران مسعود، الرائد، چاپ پنجم، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۹۸۶ م، ج ۲، ص ۱۴۱۳.

هر چند در شمار معانی یاد شده برای «مقام» در کتب فوق، اندک تفاوتی دیده می‌شود، لیکن می‌توان گفت که هر چهار کتاب در بیان معانی اصلی و متداول واژه با یکدیگر مشترک‌اند. آنچه قابل توجه است این است که در فرهنگ‌های معاصر، مانند اقرب الموارد و الرائد، مقام به معنای «منزلت» نیز آمده است، در صورتی که خصوص این تعبیر در معنای مقام، در فرهنگ‌های کهن به چشم نمی‌خورد، هر چند واژه «منزلت» در باب خود، به معنای «رتبه» و «مرتب» آمده است. به نظر می‌رسد استفاده این معنی از واژه «مقام» در فرهنگ‌های معاصر، مستند به معنای اسم مکانی واژه است، چرا که منزلت می‌تواند بیانگر جایگاه معنوی صاحب آن باشد و این همان چیزی است که در فارسی از آن به «موقعیت» نیز تعبیر می‌شود. بنابراین هر یک از معانی فوق با آیات مورد بحث تناسب داشته باشد و قرینه‌ای آن را تأیید کند، می‌توان به آن استناد جست، گرچه ممکن است یک یا دو معنی به دلیل قوت مؤید آن، بر معانی دیگر برتری داشته باشد که باید درباره آن به طور مستدل بحث کرد و برتری آن را اثبات نمود.

دیدگاه مفسران

مفسران در تفسیر این تعبیر قرآنی وجوه گوناگونی گفته‌اند که غالباً در نقل آنها با یکدیگر مشترک‌اند. برخی از آنان تمامی وجوه محتمل در آیه را آورده و برخی تنها مختار خود را بیان نموده‌اند. در اینجا لازم است چند تفسیر معتبر مورد تأمل قرار گیرد و دیدگاه‌های گوناگونی که در این باره مطرح شده است آورده شود تا روشن گردد که در مسئله چند قول وجود دارد و کدام یک را می‌توان به عنوان بهترین قول مطرح کرد. قابل ذکر است که ما در اینجا تنها به نقل تفاسیری می‌پردازیم که در صدد بیان تمامی وجوه محتمل در آیه بوده‌اند، زیرا هدف ما گردآوری دیدگاه‌های مطرح شده درباره این تعبیر قرآنی است.

در تفسیر البحر المحیط ذیل آیه ۴۶ سوره «الرحمن» آمده است:

«مقام ربه» مصدر است و ممکن است اضافه به فاعل شده باشد؛ یعنی از قیام و نظارتی که پروردگارش بر او دارد می‌ترسد. این معنی از مجاهد نقل شده است. وی گفته است که این تعبیر از قبیل آیه «أَفَمَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ» [رعد، ۳۳] است که «قائم» در آن به معنای نگهبان و مراقب است و بنده با توجه به این ویژگی، مواظبت می‌کند و بر نافرمانی خدا از خود جرئت نشان نمی‌هد. برخی نیز گفته‌اند اضافه با کمترین مناسبت صورت گرفته و معنای آیه این

درنگی در تعبیر قرآنی «امّا من خاف مقام ربّه» ۲۱ □

است که او از موقفی که بندگان در آنجا برای حساب می‌ایستند می‌هراسد. در این صورت آیه مورد بحث از قبیل آیه «يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ» [مطففین، ۶] خواهد بود و چنین اضافه‌ای، دشواری آن جایگاه را می‌رساند. برخی دیگر گفته‌اند ذکر واژه مقام در آیه از باب اقحام^۱ است و معنای آیه این است که کسی که از پرورگارش بترسد دو بهشت دارد؛ چنان که می‌گویی: «اخاف جانب فلان» یعنی من از فلانی می‌ترسم.^۲

چنان که ملاحظه می‌کنید، از تفسیر فوق، سه قول به ترتیب زیر استفاده می‌شود:

(۱) اینکه «مقام» مصدر باشد و به فاعل اضافه شود؛ یعنی بنده از قیام و نظارت پروردگارش بیم داشته باشد.

(۲) «مقام» اسم مکان باشد. بدین معنی که از موقفی که بندگان خدا در آنجا برای حساب می‌ایستند بترسد.

(۳) آمدن واژه «مقام» از باب اقحام باشد و مقصود، ترس بنده از خود پروردگار است. همین سه قول از زمخشری نیز نقل شده است. وی در ذیل آیه ۱۴ سوره ابراهیم: «ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَ خَافَ وَعِيدِي» می‌نویسد:

مقام در اینجا همان موقف حساب است، زیرا موقف حساب جایگاهی است که بندگان خدا روز رستاخیز در آنجا به پا می‌ایستند، و ممکن است واژه «مقام» از باب اقحام آمده باشد. برخی نیز گفته‌اند آیه بدین معنی است: این برای کسی است که از نظارتی که من بر او دارم و مراقب اعمال او هستم، بیم دارد.^۳

شهاب الدین سمین حلبی ذیل آیه ۴۶ سوره «الرحمن» چنین آورده است:

«مقام ربّه» یا مصدر است و یا اسم مکان. اگر مصدر باشد ممکن است به فاعل اضافه شود و به معنای «نظارت پروردگار بر بنده و مراقبت از اعمال وی» باشد، مانند «أقمن هو قائم علی کلّ نفس بما کسبت» که این معنی از مجاهد نقل شده است. و ممکن است به مفعول اضافه شود و مقصود این باشد که بنده به حقوق خدا قیام می‌کند و آن را تباه نمی‌سازد. و اگر اسم مکان باشد، اضافه با کمترین مناسبت صورت گرفته است؛ یعنی چون مردم در عرصه رستاخیز در پیشگاه

۱. آوردن واژه‌ای میان دو متلازم از قبیل مضاف و مضاف الیه را اقحام می‌گویند، مانند اینکه بگوییم: «قَطَعَ اللهُ يَدَ وَرِجْلَ مَنْ قَالَهَا» که واژه «رِجْل» میان «يَد» و «مَنْ» آمده و اصل آن «قَطَعَ اللهُ يَدَ مَنْ قَالَهَا وَرِجْلَهُ» بوده است (المنجد فی اللغة، مادة قحم).

۲. ابوحنّیان اندلسی، البحر المحیط، چاپ دوم، دار احیاء التراث العربی، بیروت ۱۴۱۱ هـ / ۱۹۹۰ م، ج ۸، ص ۱۹۶.

۳. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چاپ دوم، نشر البلاغة، قم، ۱۴۱۵ هـ، ج ۲، ص ۵۴۵.

پروردگار می‌ایستند، گفته می‌شود: در آنجا برای خدا جایگاهی است.^۱

از کلام حلبی نیز سه وجه به ترتیب زیر استفاده می‌شود:

(۱) اینکه «مقام» مصدر باشد و به فاعل اضافه شود و مانند آیه «أفمن هو قائم علی کل نفس» باشد.

(۲) «مقام» مصدر باشد و به مفعول اضافه شود و مقصود از آیه، قیام و ایستادگی بنده بر رعایت حقوق خدا باشد.

(۳) «مقام» اسم مکان باشد و اضافه آن به «رب» با کمترین مناسبت صورت گرفته باشد.

مفسران معاصر نیز غالباً در توضیح تعبیر مورد بحث همین معانی را گفته‌اند؛ فی‌المثل، آلوسی در تفسیر روح المعانی در این باره سه قول نقل کرده و گفته است که «مقام» یا اسم مکان است و مقصود از آن، موقف بندگان در برابر پروردگار برای بررسی حساب است، و یا مصدر میمی است که به فاعل اضافه شده و مقصود، مراقبت خدا بر اعمال بندگان یا پایداری او بر اجرای عدالت و صواب است و یا آمدنِ واژه «مقام» از باب افعال است.^۲

ابن عاشور نیز ذیل آیه ۴۶ سوره «الرحمن» درباره واژه «مقام» و اینکه این واژه ممکن است اسم مکان یا مصدر میمی باشد و به طور مجاز در بیان حالت و تلبس به کار رود، توضیحاتی داده و سپس گفته است:

«مقام» بر شأن و عظمت نیز اطلاق می‌شود و اضافه شدن آن به «رب» در آیه اگر به اعتبار مقام خائف باشد، به معنای حالت است و مانند اضافه مصدر به مفعول است و مقصود، ایستادن بنده در برابر پروردگار است، و اگر به اعتبار مقام خدا باشد، مقام به معنای شأن و عظمت است و اضافه آن مانند اضافه مصدر به فاعل است.^۳

آنچه در دیدگاه ابن عاشور می‌بینیم این است که وی علاوه بر تصریح به معانی گذشته که مفسران برای «مقام» گفته‌اند، آن را به معنای شأن و عظمت نیز دانسته است. کلام علامه طباطبایی نیز در تفسیر المیزان در خور دقت است. ایشان در ذیل آیه ۴۰ سوره نازعات

۱. الدر المصون فی علوم الكتاب المکتون، چاپ اول، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۴ هـ / ۱۹۹۴ م، ج ۶، ص ۲۴۶.

۲. ر.ک: روح المعانی، دارالفکر، بیروت، لبنان، ۱۴۱۷ هـ / ۱۹۹۷ م، ج ۸، ص ۲۸۹.

۳. محمد طاهر ابن عاشور، التحریر و التئیر، دارسحنون للنشر والتوزیع، تونس، بی تا، ج ۱۳، ص ۲۶۵.

آورده‌اند:

مقام، اسم مکان است و مقصود از آن، مکانی است که جسمی از اجسام در آن به پا می‌ایستد. این معنای اصلی مقام است. مقام، اسم زمان و مصدر میمی نیز هست، ولی گاه با نوعی عنایت، به صفات و حالات اشیاء نیز مقام گفته می‌شود؛ چنان که منزلت نیز به آن اطلاق می‌گردد... بنابراین، مقام خدا با توجه به اینکه خدا «رب» است، همان وصف ربوبیت او با تمامی اوصافی است که مستلزم ربوبیت است که علم، قدرت مطلق، قهر و غلبه و صفات کریمه دیگر را نیز شامل می‌شود. بر این اساس، مقام خداوند که بندگان باید از آن بترسند، همان مرحله ربوبیت اوست که مبدأ رحمت و آمرزش برای مؤمنان و پرهیزگاران، و منشأ عذاب و کیفر برای دروغ‌پردازان و گناهکاران است. برخی نیز گفته‌اند: مقصود از «مقام رب» ایستادن بنده در روز رستاخیز در پیشگاه خدا برای پرسش از اعمال اوست. البته این دیدگاه - چنان که می‌بینید - ضعیف است. برخی هم تعبیر «خاف مقام ربّه» را از باب اقحام دانسته و آن را به معنای «خاف ربّه» تلقی کرده‌اند؛ چنان که درباره «اکرمی مثواه» نیز همین گونه گفته‌اند.^۱

از مجموع آرای مفسران می‌توان معانی زیر را استفاده کرد:

- ۱) اینکه مقام مصدر باشد و به فاعل اضافه شود و مقصود از آن، قیام و نظارت پروردگار بر بندگان باشد.
 - ۲) مقام مصدر باشد و به مفعول اضافه شود و مقصود از آن، بیمناک بودن بندگان از قیام به حقوق خدا باشد.
 - ۳) مقام اسم مکان باشد و اضافه شدن آن به «رب» با کمترین مناسبت صورت گرفته باشد و مقصود از آیه، ترس بندگان از موقفی است که در روز رستاخیز در پیشگاه خدا دارند.
 - ۴) مقام به معنای شأن و عظمت باشد و اضافه آن به «رب» از قبیل اضافه مصدر به فاعل باشد. تفسیر مقام به ربوبیت الهی که مبدأ رحمت برای مؤمنان و منشأ عذاب برای کافران است - چنان که در تفسیر المیزان آمده - نیز از همین مقوله است.
 - ۵) اضافه مقام به «رب» از باب اقحام باشد و مقصود، ترس از خود پروردگار است.
- اما مقایسه این آرا با یکدیگر و انتخاب مناسب‌ترین آنها نیاز به تأمل بیشتری دارد. نخست باید به این نکته توجه داشته باشیم که هر یک از دیدگاه‌های پنجگانه فوق می‌تواند محتملی داشته باشد. بنابراین، اگر کسی در ترجمه یا تفسیر آیات مورد بحث یکی از این پنج قول را انتخاب کرد، مشکلی پدید نمی‌آید و نمی‌توان قول او را اشتباه تلقی کرد. البته باید پذیرفت که

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، منشورات جماعة المدرّسين فی الحوزة العلمیة، قم، بی‌تا، ج ۲۰، ص ۱۹۳.

از میان آرای مذکور، رأیی مقدم است که با سیاق آیات تناسب بیشتری داشته باشد و از آیات دیگر بتوان تأییدی برای آن یافت، ولی مقدم بودن یک رأی بر سایر آرا، موجب اشتباه خواندن آرای دیگر نیست.

از بررسی آیات مورد بحث و آیات دیگری که می‌توان از آنها درباره موضوع مورد نظر استفاده کرد، به دست می‌آید که قول اول و سوم، هر کدام مؤید قرآنی دارند. اما قول اول که مقصود از «مقام» در آن قیام و نظارت خدا بر بندگان است، آیه «أَفَمَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ» (رعد، ۳۳) مؤید آن است؛ چنان که قول سوم را نیز آیه «يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ» (مطففین، ۶) تأیید می‌کند، لیکن از آنجا که قول سوم نیاز به تقدیر دارد، می‌توان گفت که قول اول با ظاهر آیه تناسب بیشتری دارد، زیرا بنا بر قول سوم باید «و اما من خاف مقام ربّه» را این گونه تفسیر کنیم: «و اما من خاف مقامه بین یدی ربّه» که هم باید برای «مقام» مضاف الیه ضمیر در تقدیر گرفت و هم تعبیر «بین یدی» را بر آن افزود، و شاید تعبیر علامه طباطبایی درباره این قول به «و هو کماتری» که نشانگر ضعف آن است به دلیل همین تقدیر باشد؛ بر خلاف قول اول که نیاز به تقدیر ندارد، یعنی آیه را این گونه ترجمه می‌کنیم: «اما کسی که از قیام [نظارت] پروردگارش بیم دارد...».

استاد خرمشاهی در کتاب قرآن پژوهی خود درباره این تعبیر قرآنی، تحقیقی ارائه داده‌اند که بخشی از آن قابل تأمل است. مناسب است متن کلام ایشان را در اینجا بیاوریم و موارد نقد آن را یادآور شویم. ایشان نوشته‌اند:

بعضی از مترجمان معاصر که قرآن را از عربی به فارسی ترجمه کرده‌اند، در معنای «مقام ربّه» به اشتباه افتاده‌اند. همچنانکه مرحوم ابوالقاسم پاینده آن را چنین ترجمه کرده است: «و اما هر که از موقعیت پروردگارش ترسیده...». همچنین استاد عبدالمحمد آیتی در چاپ اول ترجمه شیوای خود از قرآن مجید، این دو آیه را چنین ترجمه کرده بود: «اما هر کس که از عظمت پروردگارش ترسیده و نفس را از هوی بازداشته، بهشت جایگاه اوست». این ترجمه اشتباه است... مهمترین نکته‌ای که باید در نظر داشت این است که مقام در قرآن مجید بارها به کار رفته، ولی در هیچ مورد به معنای مقامی که در زبان فارسی، مخصوصاً فارسی جدید، به کار می‌رود نیست، حق این است که مقام مصدری است به معنا و از ریشه قیام. پس مراد از «مقام ربّه» یعنی وقوف و حضور و به تعبیر ساده‌تر، ایستادن بنده در پیشگاه خداوند در عرصه محشر و به هنگام حساب. گفتنی است که همین تعبیر با عین همین لفظ در یک آیه دیگر قرآن مجید هم به کار رفته است: «وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ» (سوره الرحمن، آیه ۴۶)... مفسران اعم از اهل سنت و شیعه، متفقاً این آیه و آن تعبیر را به معنایی که معروض افتاد تفسیر کرده‌اند. یک مؤید قرآنی هم برای تعبیر «ایستادن در پیشگاه پروردگار» وجود دارد: «يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ»

درنگی در تعبیر قرآنی «أَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ» ۲۵ □

(المطففين، ۶)... با توجه به این آیه، شکی باقی نمی‌ماند که ایستادن بندگان در پیشگاه حق تعالی، از مقالات و مقولات اعتقادی قرآنی و اسلامی است.^۱

چنان که ملاحظه می‌کنید، جناب خرمشاهی ترجمه مرحوم پاینده و نیز ترجمه آقای آیتی در چاپ اول را که به ترتیب، مقام در اولی به «موقعیت» و در دومی به «عظمت» ترجمه شده است اشتباه دانسته‌اند، در صورتی که هیچ یک از این دو ترجمه اشتباه نیست. بلکه یکی از معانی مقام - چنان که در لغت آمده - منزلت و موقعیت است. علاوه بر این، مفسرانی چون ابن عاشور و علامه طباطبایی آن را یکی از معانی مقام دانسته و آیات مورد بحث را به آن تفسیر کرده‌اند. استاد خرمشاهی در نقد بسیاری از ترجمه‌های دیگر نیز این ایراد را مطرح کرده و ترجمه «مقام» را به منزلت و موقعیت اشتباه پنداشته‌اند، که با توجه به آنچه گذشت، دیگر جایی برای رد و انکار آن باقی نمی‌ماند و این معنی نیز در ردیف یکی از معانی معتبر و قابل اعتنا قرار می‌گیرد، به ویژه آنکه با ظاهر آیه تناسب دارد و مستلزم حذف و تقدیر نیست.

نگاهی به ترجمه‌ها

در پایان، ترجمه آیات مورد بحث را از ۱۰ ترجمه معروف قدیم و جدید می‌آوریم. قابل ذکر است که برگردان تعبیر قرآنی مورد نظر در هر ترجمه‌ای با حروف برجسته مشخص شده است تا خواننده گرامی بتواند به آسانی به تعبیرات گوناگون مترجمان دست یابد و آنها را با یکدیگر مقایسه کند. بار دیگر، برای حضور ذهن بیشتر نسبت به آیات مورد بحث، متن آیات را به ترتیب سوره‌های قرآنی و با ذکر شماره آیات یادآور می‌شویم:

۱. ذَلِكْ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَ خَافَ وَعِيدِ (ابراهيم، ۱۴)

۲. وَ لِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ (الرحمن، ۴۶)

۳. وَ أَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ ۖ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ

الْمَأْوَىٰ (نازعات، ۴۰-۴۱)

۱. قرآن پژوهی، چاپ اول، مرکز نشر فرهنگی مشرق، تهران، ۱۳۷۲، ص ۳۳۲-۳۳۳.

۱. ترجمه تفسیر طبری

«... [اینست] آن را که بترسد از جایگاهی و بترسد از وعید.^۱» (ابراهیم، ۱۴)
«و آنرا که بترسد از این جایگاه خدای عزوجل او را دو بهشت دهد.»^۲
(الرحمن، ۴۶)

«و اما آنک بترسد جایگاه خدای او و باز دارد تن را از آرزوها * حقا که بهشت باشد آن جایگاه او.»^۳ (نازعات، ۴۰-۴۱)

۲. ترجمه میبدی

«... این پاداش آنکس راست که گرویده است بر ستاخیز و ایستادن شمار
را و به بیم است از وعید من.» (ابراهیم، ۱۴)
«آنرا که میترسد از ایستادنگاه پیش خداوند خویش او راست دو بهشت.»
(الرحمن، ۴۶)

«و اما او که از ایستادنگاه پیش خدای خویش بترسد و خویشتن را از
ببایست نبایستی باز زد * بهشت او را جایگاه است و
بازگشتن گاه.»^۴ (نازعات، ۴۰-۴۱)

۳. ترجمه محدث دهلوی

«... این وعده برای کسی است که بترسد از ایستادن بحضور من و بترسد
از بیم من.» (ابراهیم، ۱۴)
«و کسی را که ترسیده است از ایستادن بحضور پروردگار خویش دو
بوستان است.» (الرحمن، ۴۶)

۱. ترجمه تفسیر طبری، به تصحیح و اهتمام حبیب یغمایی، چاپ سوم، انتشارات توس، تهران، ۱۳۶۷، ج

۳، ص ۸۱۹

۲. همان، ج ۷، ص ۱۷۸۷.

۳. همان، ص ۱۹۸۲-۱۹۸۳.

۴. قرآن کریم، با ترجمه نوبت اول از کشف الأسرار میبدی، چاپ افست مروی، تهران، بی تا.

درنگی در تعبیر قرآنی «اما من خاف مقام ربه» ۲۷ □

«و اما کسیکه ترسیده باشد از ایستادن بحضور پروردگار خویش و باز داشته باشد نفس را از شهوات * پس هر آینه بهشت همانست جای او.»^۱
(نازعات، ۴۰-۴۱)

۴. ترجمه الهی قمشه‌ای

«... این موهبت خاص کسی است که از عظمت و تهدید من بترسد.»
(ابراهیم، ۱۴)
«و هر که از مقام قهر و کبریایی خدا بترسد او را دو باغ بهشت خواهد بود.»
(الرحمن، ۴۶)
«و هر کس از حضور در پیشگاه عز ربوبیت بترسد و از هوای نفس دوری جست * همانا بهشت منزلگاه اوست.»^۲ (نازعات، ۴۰-۴۱)

۵. ترجمه مجتبوی

«... این برای آن کس است که از ایستادن در برابر من [برای حسابرسی] بترسد.» (ابراهیم، ۱۴)
«و برای کسی که از ایستادن در پیشگاه پروردگار خویش - جایگاه حساب - بترسد دو بهشت است.»^۳ (الرحمن، ۴۶)
«و اما هر کس که از ایستادن در پیشگاه پروردگار خود بیم داشته باشد و خویشتن را از آرزو و کام دل باز دارد * جایگاه او همان بهشت است.»^۴

۱. قرآن کریم و ترجمه معانی آن به زبان فارسی، چاپخانه قرآن کریم مجمع ملک فهد، مدینه منوره، ۱۴۱۷ ق.
۲. قرآن کریم، ترجمه استاد محیی الدین الهی قمشه‌ای، تصحیح و ویرایش محمد رضا انصاری محلاتی، چاپ اول، انتشارات هجرت، قم، ۱۳۸۴.
۳. مترجم در زیرنویس ترجمه این آیه توضیحی بدین صورت آورده است: «این ترجمه بنا بر آن است که در تقدیر «مقامه عند ربه» باشد. اما اگر مضاف الیه حقیقی مقام، خود «رب» باشد ترجمه چنین می‌شود: «و برای کسی که از مقام پروردگارش بترسد...» و مقام پروردگار همان قیام حق تعالی و آگاهی او بر اعمال بندگان است که در سوره رعد آیه ۳۳ (أَفَمَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ) به آن اشاره شده است.
۴. القرآن الحکیم، ترجمه و توضیح از دکتر سید جلال الدین مجتبوی، چاپ دوم، انتشارات حکمت،

(نازعات، ۴۰-۴۱)

۶ ترجمه آیه الله مکارم

«... این (موفقیت) برای کسی است که از مقام (عدالت) من بترسد و از عذاب (من) بیمناک باشد.» (ابراهیم، ۱۴)
«و برای کسی که از مقام پروردگارش بترسد، دو باغ بهشتی است.» (الرحمن، ۴۶)
«و آن کس که از مقام پروردگارش ترسان باشد و نفس را از هوی باز دارد * قطعاً بهشت جایگاه اوست.»^۱ (نازعات، ۴۰-۴۱)

۷. ترجمه فولادوند

«... این برای کسی است که از ایستادن [در محشر به هنگام حساب] در پیشگاه من بترسد و از تهدیدم بیم داشته باشد.» (ابراهیم، ۱۴)
«و هر کس را که از مقام پروردگارش بترسد دو باغ است.» (الرحمن، ۴۶)
«و اما کسی که از ایستادن در برابر پروردگارش هراسید، و نفس خود را از هوس بازداشت * پس جایگاه او همان بهشت است.»^۲ (نازعات، ۴۰-۴۱)

۸. ترجمه خرمشاهی

«... این برای کسی است که از ایستادن [در محشر به هنگام حساب] در پیشگاه من بترسد، و از هشدار من بهراسد.» (ابراهیم، ۱۴)
«و برای کسی که از ایستادن در پیشگاه پروردگارش [برای حساب در

تهران، ۱۳۷۶.

۱. قرآن مجید، با ترجمه آیه الله مکارم شیرازی، چاپ سوم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم، ۱۳۷۶.

۲. قرآن مجید، ترجمه استاد محمد مهدی فولادوند، چاپ اول، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم، ۱۳۷۳.

درنگی در تعبیر قرآنی «اما من خاف مقام ربّه» ۲۹ □

حشر [هراسیده باشد، دو بوستان است.] (الرحمن، ۴۶) «
«و اما هر کس که از ایستادن [در موضع حساب و حشر] در پیشگاه
پروردگارش ترسیده و نفس را از هوی و هوس بازداشته باشد* بیگمان
بهشت جایگاه اوست.»^۱ (نازعات، ۴۰-۴۱)

۹. ترجمه موسوی گرمارودی

«... این برای کسی است که از ایستادن در پیشگاه من و از هشدار من
می‌هراسد.» (ابراهیم، ۱۴)
«و برای آن کس که از ایستادن در برابر پروردگار خویش هراسیده است،
دو بهشت خواهد بود.» (الرحمن، ۴۶)
«و اما آنکه از ایستادن در پیشگاه پروردگارش پروا کرده و درون خود را
از خواهش (ناروا) بازداشته باشد* تنها بهشت جایگاه
اوست.»^۲ (نازعات، ۴۰-۴۱)

۱۰. ترجمه رضایی اصفهانی و همکاران

«... این برای کسی است که از جایگاه (داوری) من ترس داشته باشد و از
تهدید [من] بترسد!» (ابراهیم، ۱۴)
«و برای کسی که از مقام پروردگارش بترسد، دو بوستان (بهشتی) است.»
(الرحمن، ۴۶)
«و اما کسی که از مقام پروردگارش بترسد و نفس را از هوس منع
کند* پس در حقیقت تنها بهشت مقصد (او) است.»^۲ (نازعات، ۴۰-۴۱)

۱. قرآن کریم، ترجمه از بهاء الدین خرمشاهی، چاپ اول، انتشارات نیلوفر و جامی، تهران، ۱۳۷۵.
۲. قرآن کریم، ترجمه دکتر سید علی موسوی گرمارودی، چاپ اول، مؤسسه انتشارات قدیانی، تهران، ۱۳۸۳.
۳. القرآن الکریم، نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم توسط: دکتر محمد علی رضایی اصفهانی - حسین شیرافکن، غلامعلی همایی - محسن اسماعیلی - محمد امینی، چاپ اول، انتشارات دار الذکر، قم، ۱۳۸۳.